

# بیرم خان بهارلو صدراعظم و سپهسالار امپراطوري ترك گوركاني هند

همدان – آذربایجان وئبلاگی  
Həmədan-Azərbaycan  
<http://hemedan-az.blogspot.com/>

(قسمت اول)

بیرم خان بهارلو مشهور به خان خانان، صدراعظم و سپهسالار امپراطوران ترك گوركاني هند یعنی سلطان نصیرالدین همایون و سلطان جلال الدین اکبر کوره کن و از مشاهیر شعرا و علمای شیعی مذهب قرن دهم هجری، از ترکان بهارلو بوده است.

پیش از پرداختن به شرح حال این شخصیت بزرگ و عظیم لازم است که نگاهی مختصر به منشأ و ریشه ترکان بهارلو و فعالیت‌های سیاسی و ... آنها بیفکنیم تا زمان و نحوه ورود بخشی از ایل ترك بهارلو به هندوستان را دریابیم. ترکان بهارلو از پرافتخارترین ترکان بوده و در طول تاریخ سهم بسزائی در اعتلاء و پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی- تركی داشته و دارند. مردم شهر بهار واقع در استان همدان از تبار ترکان بهارلو هستند. هم چنین بخشی از آنها با عنوان " ایل بهارلو " یکی از پنج ایل " ایلات خمسه " (ساکن در استان فارس) را تشکیل می دهند. البته بخش های دیگری از بهارلوها در نقاط دیگر آذربایجان از جمله زنجان و قزوین و ... ساکن هستند.

در باره ریشه ترکان بهارلو باید گفت همانگونه که در منابع مختلف و معتبر تاریخی به صراحت آمده: ترکان اوغوز ۲۴ ایل بوده اند که یکی از آنها بیگدلی بوده است. بیگدلی هائی که در شمال شام (سوریه فعلی) ساکن شده بودند به بیگدلی شاملو و بیگدلی هائی که در جنوب آسیای صغیر و روم (قسمتی از ترکیه) ساکن شده بودند به بیگدلی روملو معروف شدند. پس از آمدن بیگدلی ها و ... بهمراه امیر تیمور کوره کن به ایران (سال ۸۰۰ قمری) قسمتی از ایل بیگدلی شاملو از ایل مادر خود جدا شده و به خاطر سکونت در منطقه بهار (واقع در استان همدان) به " بهارلو " مشهور شدند و شهر " بهار " فعلی را بنیان نهادند. دانشمند معروف " هنری فیلد " در کتاب خود بنام " مردم شناسی ایران " [ ترجمه دکتر عبدالله فریاد- از انتشارات کتابخانه ابن سینا- تهران ۱۳۴۳ - صفحه ۱۳۲ ] در این مورد چنین می گوید: [ مهمترین قبایل قزلباش که همه ترك بودند عبارت بودند از: اوستاجلو- شاملو- بیگدلی- قاجار- افشار و ... شاملوها- که سوریه ای هستند و در قرن چهاردهم میلادی توسط تیمور از سوریه .... به ایران عودت داده شدند- اکنون یکی از شعب ایلات شاهسون محسوب می شوند و بعضی از آنها قبیله ای جداگانه شده اند بنام بهارلو. قبیله بهارلو در اصل شعبه ای از قبیله شاملو بود ] هم چنین علی قلی خان بختیاری سردار اسعد در کتاب خود بنام " تاریخ بختیاری " (انتشارات پساول فرهنگسرا- تهران ۱۳۶۱- صفحه ۴۱۹) می نویسد: [ قراگوزلو و بهارلو و بسیاری از طوایف دیگر منشعب از ایل شاملو هستند ] و نیز لیدی شیل (Lady sheil) می نویسد: [ در این زمان بخشی شاملو و شاهسون و بخشی دیگر بهارلو نامیده می شوند و نیمی از بهارلو در (استان) فارس و (استان) همدان و نیمی دیگر در آذربایجان می زیند- به نقل از کتاب " تاریخ بیگدلی- شاملو " تألیف پروفسور غلامحسین بیگدلی صفحه ۳۰۵- ] [ فرهنگ معین " ذیل ماده بهارلو می نویسد: [ بهارلو- با بلوک " بهار " نزدیک همدان مربوط است. یکی از ایلات ترك .... ]

بهارلویها از ارکان امپراطوری ترک قراقویونلو بودند. دانشمند برجسته فاروق سومر در کتاب خود بنام " قراقویونلوها " (ترجمه دکتر وهاب ولی انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی- تهران- ۱۳۶۹- صفحه ۲۷) در این خصوص می نویسد: [ بهارلو یکی دیگر از طوایفی بود که تکیه گاه اصلی قراقویونلوها را تشکیل می داد. نام این طایفه به طوری که مینورسکی بیان کرده است، از نام " قلعه بهار " (شهر بهار کنونی) واقع در (استان) همدان گرفته شده است. چون همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، سرزمین این طایفه، منطقه همدان بود. حتی بعد از قراقویونلوها، در دوره صفویان نیز از این منطقه (یعنی منطقه همدان) به نام " علی شکر بیگ " امیر مشهور این طایفه (یعنی طایفه بهارلو) یاد می شد. امرای بهارلو با ازدواج با دختران قراقویونلوها و یا دادن دختر به آنان، با آنها طریق خویشاوندی می پیمودند و بدین ترتیب از مهمترین امرای این قبیله شدند ..... ]

به هنگام سقوط دولت ترکان قراقویونلو به دست ترکان آق قویونلو در سال ۱۴۶۹ میلادی، ریاست ایل ترک بهارلو به عهده یکی از پسران " علی شکر بیگ بهارلو " به نام " پیر علی " بود. " پیر علی " تبعیت از آق قویونلوها را نپذیرفته و به همراه برادرانش: بیرام، یار علی و ابراهیم و نیز خواهرزاده اش (که نوه پسر سلطان جهان شاه قراقویونلو هم بود) در معیت بخشی از ایل بهارلو به خراسان رفت (بخش دیگری از ایل بهارلو همچنان در منطقه بهار ماند و در دوره صفویه از حالت ایلی و یایلاق- قیشلاق خارج و شهر بهار فعلی واقع در استان همدان را بنیان نهادند). پس از جنگهای فراوان و اسیر شدن بدست سلطان حسین بایقرا (از سلاطین دولت ترک تیموری)، سلطان حسین، چشمان پیر علی را میل کشید و بیرم (برادر پیر علی) را به قتل رساند.

پس از این واقعه، بخشی از ایل بهارلو که پیر علی را همراهی می کرد همچنان در خراسان ماند و قسمتی از این ایل بزرگ با " بابر " (بنیانگذار امپراطوری ترک گورکانی در هندوستان) در جنگ هندوستان شرکت کردند و بدین ترتیب بود که بخشی از ایل ترک بهارلو ساکن هندوستان شدند و نقش عظیمی در تاریخ هند ایفا کرده و تحت ریاست " سلطان قلی بهارلو " در قرن شانزدهم میلادی سلسله شیعی " قطب شاهیان " را در دکن هند، تأسیس کردند. (محمدقاسم در کتابش بنام " تاریخ فرشته "، چاپ کانپور هند، ۱۳۰۱، جلد دوم، صفحه ۱۶۷ در شرح حال سلاطین قطب شاهی می نویسد: " سلطان قلی از ترکان بهارلو است از قوم میر علی شکر ")

توجه: علاقمندان می توانند برای مطالعه بیشتر در مورد بخشی از تاریخ ایل ترک بهارلو به سلسله مقالات با عنوان " نگاهی به تاریخ ایل ترک بهارلو و شهر بهار " چاپ شده در " سینا " از شماره بیست تا بیست و چهار مراجعه نمایند.

پس از ذکر مقدمه فوق می گوئیم:

" بیرم خان بهارلو " از نوادگان " علی شکر بیگ بهارلو " بوده است: بیرم خان بهارلو ابن سیف علی بیگ ابن جان علی بیگ ابن پیر علی ابن علی شکر بیگ بهارلو

قسمت دوم

همانگونه که در قسمت اول توضیح داده شد ایل ترک بهارلو که یکی از دو ایل مهم و قدرتمند اتحادیه قراقویونلوها بود، پس از سقوط دولت قراقویونلو به دست آق قویونلوها به دو بخش تقسیم شد: بخش اول ایل بهارلو همچنان در منطقه همدان ماند و در دوره صفویه شهر بهار (واقع در استان همدان) را بنیان نهاد و مردم شهر بهار در

واقع فرزندان این بخش از ایل ترک بهارلو هستند و بخش دوم ایل بهارلو تحت ریاست " پیر علی بهارلو " ( فرزند علی شکر بیگ بهارلو ، امیر و رئیس مشهور ایل بهارلو ) به خراسان رفته و پس از فراز و فرود های بسیار به ترکان تیموری پیوسته و " بابر " ( بنیانگذار امپراطوری ترک گورکانی هند ) را در فتح هندوستان یاری نمود و بدینگونه بود که این بخش از ایل بهارلو ساکن هندوستان شد و بعدها " سلطان قلی بهارلو " در قرن شانزدهم میلادی دولت ترک شیعی " قطب شاهیان " را در ناحیه دکن هندوستان تأسیس نمود . نیز همانگونه که در قسمت اول گفته شد " بیرم خان بهارلو " از نوادگان میر علی شکر بیگ بهارلو امیر و رئیس مشهور ایل بهارلو بوده است به این ترتیب : ( بیرم خان بهارلو ابن سیف علی بیگ ابن جانعلی بیگ ابن پیر علی بیگ ابن علی شکر بیگ بهارلو ) .

پس از گذشته شدن " پیر علی بیگ بهارلو " به دست سلطان حسین بای قارا ( بایقرا ) ، پسرش جانعلی بیگ در بدخشان مستقر شد و به خدمت بابر در آمد . پدر " بیرم خان بهارلو " یعنی " سیف علی بیگ " از سوی " بابر " حکمران " غزنه " بود . " بیرم خان " در حوالی " غزنه " و بنا به قول دیگری در " بدخشان " متولد شد و در " بلخ " به تحصیل علم و ادب پرداخت و در این مسیر به کمالات علمی فائز شد . وی در شانزده سالگی به خدمت " همایون " ( فرزند بابر ) درآمد و زمانی که همایون در ۲۴ سالگی به سلطنت رسید ( ۹۳۷ قمری ) وی نزدیکترین دولتمرد و مقربترین رجال دربار او بود و علیرغم کم سن و سال بودنش از عهده مأموریت‌های جنگی با پیروزی و سربلندی برمی آمد .

پس از مدتی سلطان جوان به افیون معتاد شد و از امور کشور غافل گشت و در نتیجه سراسر قلمرو امپراطوری گورکانی دستخوش جنگ‌های خونین خانگی شد و رشته کار چنان از هم گسیخت که از تدبیر و شجاعت " بیرم خان " هم کاری بر نیامد . در این اوضاع همایون به همراه بیرم خان به ترکان صفوی در ایران پناه آورد و پس از مدتی با یاری شاه تهماسب صفوی به قندهار لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرده ( ۹۵۲ قمری ) و " بیرم خان بهارلو " را به حکومت آنجا منصوب نمود و پس از مدتها جنگ و نبرد سراسر هند را تسخیر کرده و وارد دهلی شد . همایون در سال ۹۶۳ قمری در گذشت و پسرش جلال الدین محمد اکبر ( بزرگترین امپراطور هندوستان ) در ۱۳ سالگی در پرتو درایت و حسن تدبیر " بیرم خان " به تخت نشست . " بیرم خان بهارلو " مربی و راهنمای " جلال الدین اکبر " بود و وی در کودکی " بیرم خان " را " آتام " ( پدرم ) صدا می کرد . در این ایام زمام امور سلطنت در دستان " بیرم خان بهارلو " بود .

به هنگام جلوس " جلال الدین اکبر " شهرهای " آگره " و " دهلی " در تصرف هندویی به نام هیمو بود که خود را شاه می خواند . شوکت و هیبت او به جایی رسیده بود که بعضی از امرای امپراطور نوجوان به وی پیشنهاد کردند به کابل باز گردد و هند را رها کند . ولی " بیرم خان بهارلو " تصمیم به مقاومت و جنگ گرفت و به همراهی امپراطور و سپاهیان رهسپار " دهلی " شد . " هیمو " سپاهیان خود را در محل " پانی پت " نزدیک دهلی آماده کرده بود . صد هزار سوار و پانصد فیل جنگی و توپخانه ای نیرومند داشت . وقتی دو لشکر به هم رسیدند ، توپخانه هیمو ارتش " جلال الدین اکبر " را زیر آتش سنگین خود گرفت و فیل ها شروع به پیشروی کردند . لیکن " بیرم " دستور داد تا فیل ها را زیر آتش بگیرند و تیرباران کنند ، این تاکتیک تازه فوراً وضع میدان را به سود ارتش ترکان گورکانی عوض کرد و فیلان وحشت زده به عقب برگشته اردوی هیمو را بر هم زدند . و سپاهیان او را مجبور به فرار کردند . بعد از این پیروزی همه ثروت و ساز و برگ ارتش هیمو بدست " بیرم خان بهارلو " افتاد و او برای اینکه به امپراطور نوجوان روحیه بدهد به دست خود هیمو را در حضور او گردن زد . سپس ارتش گورکانی و موکب جلال الدین اکبر با شکوه تمام وارد " دهلی " گردید .

بعد از این فتح " بیرم خان " بقایای نیروهای افغانه را که در اجمیر و گوالیا و جونیپور بودند شکست داد و دوباره مرز امپراطوری را تا رود گنگ امتداد بخشید . امپراطور نیز او را علاوه بر مقام امیرالامراء به رتبه نیابت

سلطنت و پیشکاری کل ( صدر اعظم ) ممالک هندوستان ارتقاء داد و " بیرم خان بهارلو " نیز با کمال اخلاص و وفاداری تمام کوشش خود را در راستای استوار ساختن امپراطوری ترک گورکانی بکار برد.

## قسمت پایانی

در قسمتهای پیشین توضیح داده شد که چگونه ایل ترک و قدرتمند "بهارلی" (بهارلو) پس از سقوط دولت قراقویونلو به دو بخش تقسیم شد: بخش اول در منطقه همدان ماندند و بعدها شهر "بهار" فعلی را بنیان نهادند و بخش دوم به خراسان رفته و بخشی از آنها به بنیانگذار امپراطوری ترک گورکانی هند یعنی "بابر" پیوسته و او را در فتح هندوستان یاری کردند و گفته شد که "بیرم خان بهارلی" که از نوادگان رئیس مشهور ایل بهارلی "میرعلیشکر بیگ بهارلی" بود چگونه مدارج ترقی و کمال را پیمود و به خاطر لیاقت و کاردانی و شجاعت از سوی "جلال الدین اکبر" امپراطور گورکانی به مقام نیابت سلطنت و پیشکاری کل (صدر اعظم) ممالک هندوستان منصوب شد. در این قسمت به بخش دیگری از زندگی این شخصیت بزرگ می پردازیم:

بیرم خان بهارلی اینک به صورت مقربترین و نزدیک ترین دوست امپراطور جلال الدین اکبر در آمده بود. اما روزگار بدین منوال نماند و حاسدان با استفاده از کم تجربگی امپراطور جوان توطئه های متعددی علیه بیرم خان ترتیب دادند. تا امپراطور را از قدرت و اقتدار بیرم خان بیمناک نمایند. سرانجام توطئه های معاندان موثر افتاد و امپراطور نامه ای به بیرم خان نوشته و ابلاغ نمود که از این پس خود زمام امور کشور را به دست خواهد گرفت و این به معنی عزل بیرم خان از مقام نیابت سلطنت و سپهسالاری بود. سپس امپراطور بدو امر کرد که به زیارت حرمین شریفین برود در نهایت بیرم خان بهارلی به سوی پنجاب و کوههای سواک رفته و در آنجا علم استقلال برافراشت. امپراطور نیز به سوی او لشکر کشید و در جنگی که واقع شد امپراطور پیروز شد لکن وی به خاطر خدمات بیرم او را اکرام و نوازش بسیار کرد. او از امپراطور اجازه سفر به حجاز گرفت اما از قضای روزگار بیرم خان بهارلی این ترک نامدار که در اکثر جنگها به خاطر شجاعت و تدبیر بر دشمنان پیروز می شد و دشمنان از شنیدن نام او بر خود می لرزیدند در این سفر ناجوانمردانه به دست یک افغانی به نام مبارک خان لودی ترور و به قتل رسید (۴ جمادی الاولی ۹۶۸ قمری). جنازه بیرم خان با شکوه تمام به دهلی منتقل و چندی در جوار بقعه خواجه نظام الدین اولیا به امانت گذارده شد و سپس بر اساس وصیتش استخوانهایش را به مشهد مقدس برده و در جنب روضه مطهر حضرت امام رضا (ع) به خاک سپردند (۹۷۱ قمری).

بیرم خان بهارلی علاوه بر اینکه در زمینه سیاست و سپاهیگری دولتمردی برجسته و سپهسالاری صف شکن بود در زمینه علم و ادب نیز دانشمندی عالی مقام و شاعری توانا بود. او به زبان ملتش "ترکی" عشق می ورزید دیوان اشعار ترکی او در سال ۱۹۷۰ میلادی برای نخستین بار، تحت عنوان منتخبات، در عشق آباد، پایتخت جمهوری ترکمنستان به چاپ رسید. دیوان فارسی او به سال ۱۹۱۰ میلادی در کلکته هند توسط محقق انگلیسی "اینوس روس" منتشر گردید. هم اکنون به یاد نام "بیرم خان بهارلی" در دهلی نو، پایتخت کشور هند، دروازه ای به نام "تورکمن دروازه" وجود دارد.

پس از وفات "بیرم خان"، جلال الدین اکبر، امپراطور گورکانی، خود تربیت فرزند بیرم خان را که محمد رحیم خان نام داشت به عهده گرفت و بیوه بیرم خان یعنی "سلیمه سلطان بیگم" را با احترام به حرم شاهی آورد. محمد رحیم خان همچون پدرش از رجال طراز اول امپراطوری ترک گورکانی هند محسوب و سپهسالار ارتش گورکانی در زمان امپراطوری "جهانگیر" بود و لقب فاتح دکن را داشت. وی در ادب و شعر ترکی نیز مقامی والا دارد. و به زبان مادریش ترکی با توانایی شعر سروده است. "محمد رحیم خان" منتخبانی از کتاب "توزوک" را که "بابر" امپراطور گورکانی به زبان ترکی در شرح زندگانی خود نوشته - به فارسی ترجمه کرد که همان

را Beveridge.S.A به زبان انگلیسی ترجمه نمود. پسران محمد رحیم خان به نامهای " خان زمان " و " امرالله خان " نیز از رجال دولت "شاه جهان" امپراطور گورکانی بوده اند.

#### منابع:

تاریخ فرشته - مجالس المومنین - گلشن ابراهیم ، استرآبادی - نزهه الخواطر - شریف عبدالحی - نتایج الافکار، کویا موی - ترکمنستان ، از سری مباحث کشورها ، نشروزات امور خارجه ، صفحه ۷۶ و...)

پایان